



انارزنی که مسلمان شد.

موضوع: یک داستان اجتماعی، اسلامی، مذهبی.



تألیف:

مدینه (مینا) رحمانی

سرشناسه	:	رحمانی، مدینه، (میا) ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	:	آنا زنی که مسلمان شد / مولف مدینه رحمانی.
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	:	۱۳۸۹ ۱۴۲۸۱۴۱۸/ج۵۸/PIRA-۵۸
رده بندی دیویی	:	۳/۶۲۱۶۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۴۷۵۳۰۴

نام کتاب: آنا زنی که مسلمان شد

موضوع کتاب: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

مؤلف: مدینه (میا) رحمانی

ویراستار: مریم ارجمندی

صفحه آرا: احسان دهقانی

طراح جلد: سمیرا زندگی شیراز

تیراژ: ۱۰۰۰

قطع: رقی

تعداد صفحات: ۱۶۸

ناشر: انتشارات ارم شیراز

نوبت چاپ: اول

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واصف

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۳۶-۷۵-۵

مدیر مسئول انتشارات: دکتر مسعود صفار (حکیم)

آدرس: شیراز - میدان دانشجو - مجتمع پزشکی نشاط - طبقه چهارم - انتشارات ارم شیراز

تلفن: ۰۷۱۱-۶۴۶۲۰۷۷ فاکس: ۰۷۱۱-۶۴۶۲۰۵۸

وب سایت: www.erampub.com

طبق قانون حمایت از آثار مولفین و مترجمین، تمامی حقوق جهت مؤلف و

ناشر بر اساس قرارداد فی نابین محفوظ است و هرگونه کپی برداری ممنوع و

پیگرد قانونی دارد.

به نام دوست که هر چه هست زاوست

و به نام یاری دهنده مظلومان و حامی بزرگ انسان

در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع
شب نشین کوی سربازان و زندانم چو شمع
روز و شب خوابم نمی آید به چشم غم پرست
بس که در بیماری هجر تو گریانم چو شمع
رشته صبرم به فراض غمت بریده شد
همچنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع

حافظ

سلام بر کسی که خورشید تابان سرزمین جاهلیت بود
سلام بر محمد (ص) چابک سواری که با چراغ هدایت از سرزمین جاهلیت طلوع
کرد عاشقی دلباخته به محمد رسول الله هستم و مرید علی شناگر دریای معرفت این
فرستاده هستم و هیچگاه به ساحل نمی رسم و همیشه غوطه درم عشق قلبی به این
بنده ی خالص خدا من را بر این داشت که در این وادی سرکی بکشم و با شور و
شوق بر آنم که درباره آنان بیشتر بدانم و اگر خدا بخواهد بویسم و ببویسم.
وقتی به دنیای پر زرق و برق غرب و دیگر جوامع می نگرم و دنیای پلیدها را
پر رنگ می بینم متعجب از آن می شوم که چطور در این پلیدها سکونت هایی
رویده می شود و روز به روز به تعداد مریدان حضرت محمد (ص) افزوده
می شود و کشورهای غربی که با تمام هزینه و تلاش و تبلیغات غیر اخلاقی
نمی توانند موفق باشند و به آنجا رسیده ام که کلید همه روشنایی ها خداست
اوست که بندگان را از گمراهی نجات می دهد.

هر روز می شنویم و می بینیم که مسلمانان را آزار و اذیت می کنند و اجازه پیشرفت و

استقلال داشتن را از آنان می گیرند. این زورگوها بر جهان پوشیده نیست اما باز هم من وظیفه خود دانسته که حرفهای وجودی خود را به عنوان یک داستان بنویسم و از دین و آیینم دفاع کنم و خود را حامی هر مسلمانی بدانم و چیره زشت و کریه انسانهای ناجوانمرد که خود را دارای تمدن و آزادی می دانند به همه دنیا نشان دهم.

هر روز در گوشه گوشه این جهان به هر روشی و به هر دلیلی به مظلومان، مسلمانان سیاه پوستان و غیره ظلم می شود و من وظیفه خود می دانم که به هر طریقی که از توأم بر می آید فریاد اعتراض خود را بیان کنم.

و آرزو دارم روزی این داستان به جهانیان چهره واقعی یک مسلمان و یک ایرانی را نشان دهد هر چند که اسلام احتیاج به معرفی ندارد و کسانی که چشمی بینا و دلی روشن داشته باشند یک مسلمان واقعی هستند.

کسانی که در زندگی به نیرنگی دوباره می رسند و وارد دنیای جدیدی می شوند تمام سعی و تلاش خود را می کنند تا مرحله جدید زندگی خود را بهتر بشناسند و به کمالات واقعی برسند.

به نظر بنده حقیر سیر و سلوک در این داستان می تواند تلنگری هم باشد برای کسانی که بظاهر مسلمان هستند اما در باطن مسلمان واقعی نیستند و اسلام واقعی را نمی شناسند.

اسلام واقعی پیام آور دوستی، آرامش صلوات و راستگوی است اسلام داشتن و اسلام آوردن واقعی به قلب و روح مربوط و مرحله اول روح و جان را سبقل می دهد و بعد به بُعد جسمی و مسائل ظاهری می پردازد.

یک مسلمان یک انسان به تمام معناست و عاری از هر گونه انودگی و کسی که اسم اسلام را یدک می کشد باید چنان زندگی کند که به ارزش اسلامی بودنش خدجهای وارد نکند.

بزرگترین راهنما قرآن معجزه حضرت محمد (ص) و کاملترین هدایت کننده پیامبر اسلام است که برای کامل کردن دین بقیه پیامبران فرستاده شده است و هر کس که بتواند حتی ذره ای از معرفت قرآن را دریابد برامتی رستگار می شود.